



صفحه ۴ ضمیمه نوجوان روزنامه مهر شماره ۳۰۳

www.qudsonline.ir

یکشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۹۵ | ۳۰ ربیع الثانی ۱۴۳۸ | ۲۹ ژانویه ۲۰۱۷

قرار ساعت هشت
بالهالام از ۱۷ و ۱۸
محل ۳۱ صحنه چایچه



بازگشت فیلم فارسی

در صفحه اخبار بخوانید
اجرای طرح نظام
مراقبت اجتماعی
دانش آموزان
تیراندازی خونین
دانش آموز ۵۱ ساله
در مدرسه

گزارش خبری را بخوانید
ترامپ نیامده جنجال درست کرد
رئیس جمهور
عجیب
تصمیمات
غریب...!

آن‌ها ظاهر خوبی دارند تا شما کاملاً باور کنید که قصد آن‌ها تکی‌گری نیست

خونتنبید گدا...!

ملیحه محمودخواه | مرد جوان با تلفن همراه صحبت می‌کرد و مدام از گرفتاری‌اش می‌گفت؛ از اینکه توانسته خرج عمل زنش را جور کند، اما حدود ۱۰۰ هزار تومان آن باقی مانده است و اگر این پول به‌موقع نرسد، زندگی همسرش به خطر می‌افتد. این حرف‌ها را طوری می‌زد که پیرزنی که آهسته‌آهسته قدم برمی‌داشت، صدای او را بشنود. پیرزن که دلش حسابی سوخته بود، ۵۰ هزار تومانی که جمع کرده بود تا با آن کمی برای خانه خرید کند، از کیسه‌اش درآورد و به مرد جوان داد تا بتواند کمکی به او کرده باشد. پیرزن در دلش احساس آرامش می‌کرد، اما چندمتر آن طرف‌تر مرد دوباره طعمه جدیدی پیدا کرده بود و مدام از مشکل همسرش که در بیمارستان بستری بود، حرف می‌زد.

روش‌های جدید گدایی

دیگر بی‌مزه شده که افراد گوشه خیابان بنشینند و دست دراز کنند و از شما پول بگیرند. با پیشرفت علم و تکنولوژی، گداها هم به این نتیجه رسیدند که باید کمی تغییر در روش کارشان ایجاد کنند. حالا دیگر افراد خوششپ و به‌قول خودمان باپرسیتز که ظاهرشان اصلاً به گداها نمی‌خورد و از رفتار و برخوردشان هم نمی‌توان تشخیص داد که واقعا نیتشان تکی‌گری است، راه را بر شما می‌بندند و از شما پول می‌خواهند. آن‌ها ظاهر خوبی دارند و گاهی هم گوشی‌های گران‌قیمتی به‌دست می‌گیرند تا شما کاملاً باور کنید که قصد آن‌ها گدایی نیست. آن‌ها از شما پول می‌خواهند، اما به‌روش خیلی باکلاسانه. بنزین ماشینم تمام شده و نمی‌توانم تا خانه بروم، همسرم بیمار است و مقداری از هزینه آن باقی مانده است، دانشجو هستم و در اینجا گرفتار شده‌ام و پول بلیت برگشت به شهرم را ندارم. این‌ها بهانه‌هایی است که گدایان خوششپ می‌آورند تا بتوانند شما را تلکه کنند.

دیگر بی‌مزه شده که
افراد گوشه خیابان
بنشینند و دست دراز
کنند و از شما پول
بگیرند. با پیشرفت علم و
تکنولوژی، گداها هم
به این نتیجه رسیدند که
باید کمی تغییر در روش
کارشان ایجاد کنند.

ن‌ها دل سنگ را هم آب می‌کنند

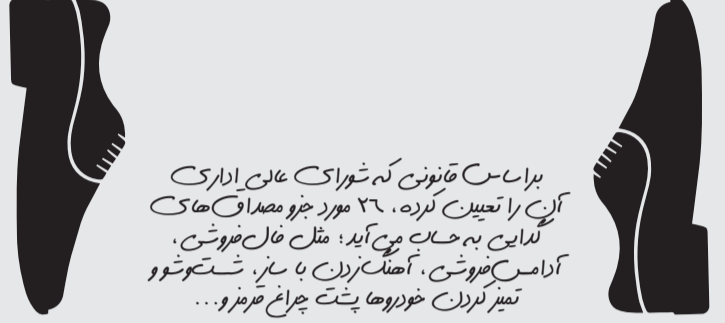
از وقتی که گدایی و پول گرفتن از مردم جرم شناخته شد، این گداها به فکر فرو رفتند که چه کار کنند تا بتوانند کار نکنند و پول دربیآورند و پلیس هم آن‌ها را نگیرد، که فکری به ذهنشان رسید که به عقل جن هم نمی‌رسید؛ اینکه شیک کنند و با احساسات مردم بازی کنند و بعضی‌ها را در شرایطی قرار دهند که خودشان با کمال میل از کیفشان پول دربیآورند و به آن‌ها بدهند. این درگیر کردن احساسات مردم بستگی به توان و قدرت گدای محترم دارد. می‌تواند از یک نسخه که معلوم نیست از کجا پیدا کرده استفاده کند، یا از یک پرونده دانشجویی که زیر بغلش است و از اینکه رویش نمی‌شود با پدر کارگرش تماس بگیرد و دل بقیه را به درد بیاورد. یا خودش را به بی‌حالی و بیماری بزند و بگوید دارد از گرسنگی می‌میرد، اما عابربانکش را گم کرده و نمی‌تواند غذا بخورد.

فکر نکنید که اگر شما با چنین افرادی روبه‌رو شوید، گولشان را نمی‌خورید و به آن‌ها کمک نمی‌کنید. آن‌ها آنقدر کارشان را بلدند که دل سنگ را هم آب می‌کنند، چه برسد به شما که دلتان اینقدر مهربان است!

فکر نکنید که اگر شما با چنین
افراد روبرو شوید،
گولشان را نمی‌خورید و به
آن‌ها کمک نمی‌کنید.
آن‌ها آنقدر کارشان
را بلدند که دل سنگ را
هم آب می‌کنند، چه برسد
به شما که دلتان اینقدر
مهربان است!

درآمد بالا

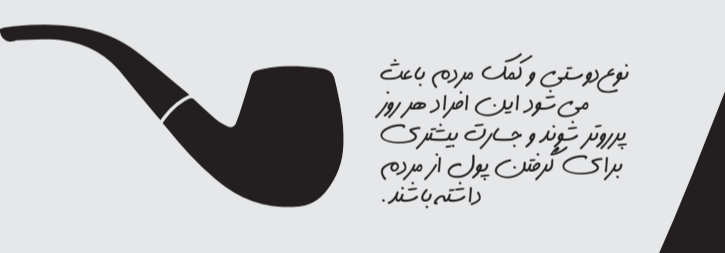
خیلی‌ها می‌گویند: این گداهای باکلاس در روز بالای ۵۰۰ هزار تومان کاسبی می‌کنند و همین مسأله هم باعث می‌شود گداهایی که هنوز هم به‌طور سنتی گوشه خیابان می‌نشینند و دست دراز می‌کنند تا مردم به آن‌ها پول بدهند، احساس کنند از میدان رقابت با آن‌ها خارج شده‌اند و آن‌ها هم اولین کاری که می‌کنند این است که به‌سراغ یکی از فروشگاه‌های پرند و بزرگ می‌روند تا یک دست لباس شیک‌وپیک بخرند و به جرگه گدایان با کلاس بپیوندند!



بر اساس قانونی که شورای عالی اداری آن را تعیین کرده، ۲۶ مورد جزو مصروف‌های نمایندگان محسوب می‌شود؛ مثل فال‌فروش، آدامس‌فروش، آهنگ‌زدن با ساز، شست‌وشو و تعمیر لیزر، خودروها پشت چراغ قرمز و...

تغییر روش‌های گدایی

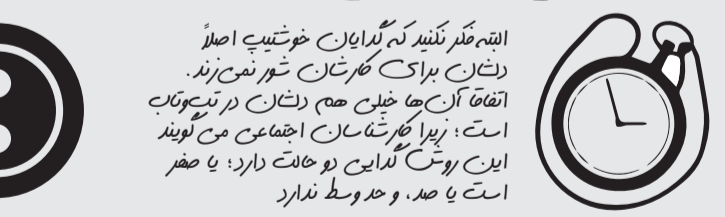
کارشناسان می‌گویند، شیوه‌های گدایی که نام دیگرش تکی‌گری است، کلی تغییر کرده است، اما شیوه‌اش هر چه که باشد، اصل ماجرا یک چیز است و آن هم پول گرفتن از دیگران است. بر اساس قانونی که شورای عالی اداری آن را تعیین کرده، ۲۶ مورد جزو مصداق‌های گدایی به حساب می‌آید؛ مثل فال‌فروشی، آدامس‌فروشی، آهنگ‌زدن با ساز، شست‌وشو و تمیز کردن خودروها پشت چراغ قرمز و...
اما شیوه‌های جدیدی هم مثل تمام شدن شهریه، داشتن مادر بیمار در بیمارستان، تمام شدن بنزین و... را هم باید به این نوع اضافه کرد؛ زیرا گداها در جلسات داخلی بین خودشان دیگر به این نتیجه رسیده‌اند که گریم صورت و فلج نشان‌دادن اعضای بدن برای جلب توجه مردم قدیمی شده و دیگر جواب نمی‌دهد و باید راه‌های جدیدی را اختراع کنند و به ثبت برسانند!
همین کارشناسان می‌گویند: نوع‌دوستی و کمک مردم باعث می‌شود این افراد هر روز پرروتر شوند و جسارت بیشتری برای گرفتن پول از مردم داشته باشند.



نوع‌دوستی و کمک مردم باعث می‌شود این افراد هر روز پرروتر شوند و جسارت بیشتری برای گرفتن پول از مردم داشته باشند.

صفر یا صد

البته فکر نکنید که گدایان خوششپ اصلاً دلشان برای کارشان شور نمی‌زند. اتفاقاً آن‌ها خیلی هم دلشان در تب‌وتاب است؛ زیرا کارشناسان اجتماعی می‌گویند، این روش گدایی دو حالت دارد؛ یا صفر است یا صد، و حد وسط ندارد. این یعنی اینکه این روش گدایی کاملاً ریسک است. بعضی‌ها کاملاً از کنارشان رد می‌شوند؛ زیرا پیش خودشان می‌گویند کسی که ساعت یک میلیون تومانی به‌دست دارد، الکی می‌گوید که مشکل بیمارستان دارد و کلاً دلشان برای آن‌ها نمی‌سوزد. اما درمقابل این گروه نیز افرادی هستند که می‌گویند او شاید در تنگنا قرار گرفته که مجبور شده غرورش را زیر پا بگذارد و از کسی پول بگیرد و به همین دلیل به او کمک می‌کنند. به هر حال ریسک این روش گدایی بالاست.



البته فکر نکنید که گدایان خوششپ اصلاً دلشان برای کارشان شور نمی‌زند. اتفاقاً آن‌ها خیلی هم دلشان در تب‌وتاب است؛ زیرا کارشناسان اجتماعی می‌گویند، این روش گدایی دو حالت دارد؛ یا صفر است یا صد، و حد وسط ندارد.

دلایل گدایی

درست است که تعداد زیادی از این افراد توان کار کردن را دارند و کار نمی‌کنند، اما کارشناسان اجتماعی می‌گویند بیکاری، فقر، نداشتن مهارت‌های کار کردن، پیری و از کار افتادگی، مهاجرت و اعتیاد می‌تواند بعضی از عواملی باشد که افراد را به سمت گدایی و تکی‌گری می‌کشاند و یک قسمت آن هم تقصیر جامعه است؛ زیرا وقتی جامعه نتوانسته است افراد سالخورده، عاجز، معلول و یتیم را ساماندهی کند، گروهی از آن‌ها مجبور می‌شوند به‌سمت این شغل‌ها بروند. اما همه آن‌ها هم نه! زیرا بعضی‌ها شغلشان گدایی است و گداهای حرفه‌ای هستند و ایده‌های مختلف و روش‌های جدید را هم این گروه ابداع و اجرا می‌کنند. اما گروهی از معتمدان هم از روی ناچاری به‌سمت این کار می‌روند تا خرج موادشان را تأمین کنند. به همین دلیل گدایی با سرقت و اعتیاد و جرم‌های دیگر ارتباط مستقیم دارد و اصلاً به‌خاطر همین جرم محسوب می‌شود.

جمع‌آوری گدایان

اما خوب است این را بدانید که شهرداری‌ها اصولاً متدیان‌را جمع‌آوری می‌کنند و اگر نوبت باشد، آن‌ها را به‌بهره‌رسانی و مراکز نصداری می‌فرستند و اگر معتاد باشد هم آن‌ها را به‌مراکز ترک اعتیاد می‌برند تا بتوانند سالم شوند و به‌جامعه برگردند و باره‌برنامک برای گروه‌های ضعیف دارد. اما ماجرا اینجاست که نمایندگان شیک‌پوش کلهرها برادر هستند و روزانه ۸۰۰ هزار تومان هم پول به‌جیب می‌زنند. پس اگر یک روزی سر راه شما هم قرار گرفتند، گول نخورید و خیلی محکم از کنارشان عبور کنید تا بعد در دلشان به‌شما نخندند.



امروز یک خبر ویژه برای بچه‌های خراسانی داریم و یک خبر هم برای بچه‌هایی که در این دوره اینترنت و تکنولوژی هنوز دلشان برای قصه گفتن مادر بزرگشان لک می‌زند. امروز را با ما همراه باشید تا از خبرهای ایران و جهان باخبر شوید.



یک طرح کاربردی



ایستنا

اجرای طرح نظام مراقبت اجتماعی دانش آموزان

قرار است بچه‌های خراسان رضوی میزبان یک طرح ملی باشند. این طرح ملی که «ماد» نام دارد، به معنای نظام مراقبت اجتماعی دانش آموزان است و بناست به صورت آزمایشی در ۱۲ مدرسه استان خراسان رضوی به اجرا دربیاید. از آنجاکه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی خیلی مهم است، به همین دلیل این طرح قرار است برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و حمایت روانی از بچه‌ها انجام شود. این طرح دو مرحله دارد؛ مرحله اول طرح، شناسایی و ثبت اطلاعات معلمان بوده که انجام شده و مرحله دوم هم بحث اعتبار آن است که قرار است تا ۵ سال دیگر انجام شود و در همه مدارس اجرا شود. در این طرح، دستگاه‌های آموزش و پرورش، قوه قضائیه، سازمان بهزیستی، وزارت بهداشت، کمیته امداد، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، نیروی انتظامی و ستاد اجرایی فرمان حضرت امام خمینی (ره) مشارکت دارند. با این طرح بچه‌ها با مشکلات و موضوعات اجتماعی آشنا می‌شوند و راه‌های مقابله با آن‌ها را نیز فرا می‌گیرند.

پانا

دعوت از دانش آموزان آلمانی توسط تروریست‌های داعش!



گروه تروریستی داعش عزمش را جزم کرده تا دانش آموزان آلمانی را به خدمت بگیرد و از طریق شبکه‌های مختلف سعی می‌کند بچه‌هایی را که از شرایط موجودشان ناراضی نیستند، به سمت خودش بکشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که داعش دانش آموزان را علیه والدین و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند تحریک می‌کند و کاری می‌کند که آن‌ها با پدر و مادرشان قهر کنند و به آن‌ها بپیوندند. داعشی‌ها برای نشان دختر یا پسر بودن بچه‌ها فرقی ندارد و از آن‌ها به عنوان سپر خود و انجام عملیات انتحاری استفاده می‌کنند. حدود ۱۷۰ دختر ۱۳ تا ۱۴ ساله آلمانی نیز در حال حاضر در خدمت داعش هستند و برای انجام عملیات مسلحانه آماده می‌شوند.

چه خطرناک

پانا

«یوسف» بیشترین نام؛ در آذربایجان



خیلی از فیلم‌ها تأثیر زیادی روی مردم دارد و به‌خاطر همین وقتی یک سریال در حال پخش است، اسم بچه‌هایی که به دنیا می‌آیند تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد؛ مثل سریال ستایش که بیشتر دختر بچه‌هایی که در زمان پخش این سریال به دنیا آمدند، نامشان ستایش بود. اما نکته جالب اینجاست که سریال یوسف پیامبر در آذربایجان نیز تأثیر زیادی داشته و تعدادی از بچه‌های آذربایجان نامشان یوسف است. در مدارس جمهوری آذربایجان شمار زیادی از دانش آموزان نام «یوسف» دارند و این نام‌گذاری‌ها که از سال ۲۰۱۱ تا سال ۲۰۱۷ بیشتر به چشم می‌خورد، به پخش سریال ایرانی «یوسف پیامبر» در تلویزیون ملی جمهوری آذربایجان برمی‌گردد. طبق آمار کشور آذربایجان در سال ۲۰۱۱ چهار هزار و ۱۷۰ کودک پسر و در سال ۲۰۱۶، سه هزار و ۲۹۸ کودک پسر، یوسف نام‌گذاری شده‌اند. براساس این آمار، از سال ۲۰۱۳ به بعد، نزدیک به ۱۷ هزار کودک در جمهوری آذربایجان، یوسف نام‌گذاری شده‌اند.

یوزارسیف

پانا

غلط نگارشی وزیر آموزش ترامپ!



تصور کنید آمریکا تا الان چطور اداره می‌شد که بعد از این بخواهد اداره شود. ترامپ افرادی را دور خودش جمع کرده که حتی سواد نگارشی درستی ندارند. همین چندروز پیش اشتباهات نگارشی وزیر آموزش که او به‌عنوان وزیر آموزش آمریکا انتخاب کرده است، مثل ممب در دنیا ترکیب و مردم کلی به او خندیدند. او در یک پیام کوتاه که در چند خط مراسم تحلیف ترامپ را تبریک گفته بود، چهار غلط املائی داشت. «بتسی دیواس» یک توییت سراسر اشتباه را ارسال کرد، اما بعد از اینکه کلی از او غلط گرفتند، بلافاصله این پیام را حذف کرد. دیواس وزیر آموزش ترامپ در پیام دیگری ضمن عذرخواهی از اشتباه توییت قبلی، مسؤلیت آن را به گردن دیگر کارکنان انداخت. خیلی‌ها به او پیام داده‌اند که یک دوره کلاس آموزش زبان برود.

خدا به داد آموزش آمریکا برسد

رکنا

تیراندازی خونین دانش آموز ۱۵ ساله در مدرسه



آزاد شدن سلاح در آمریکا بالای جان همه شده است. همین چندروز پیش یک دانش آموز در شمال مکزیک اسلحه پدرش را برداشت و خیلی خونسرد به کلاس رفت. از آن طرف هم همه بچه‌ها پشت میزهایشان نشسته بودند و بی‌خبر از همه‌جا، وقتی چشمشان به همکلاسیشان با اسلحه افتاد، برق چشمانشان پرید. او اسلحه را به سمت بچه‌ها گرفت و معلم و چند دانش آموز را مجروح کرد و آخر سر هم اسلحه را بیخ سر خودش گذاشت و شلیک کرد. پلیس می‌گوید نام این دانش آموز ۱۵ ساله فدريكو است و اطلاعات بیشتری در مورد این ماجرا منتشر نشده است. حال همکلاسی‌های مجروح اصلاً خوب نیست.

وحشت در کلاس

ایستنا

ورزش‌هایی که برای کودکان خجالتی مناسب است



اگر شما از آن دست بچه‌هایی هستید که حساسی خجالتی‌اند و رویشان نمی‌شود در جمع حاضر شوند، یک توصیه برایتان داریم، و آن هم این است که ورزش کنید. ورزش می‌تواند روابط اجتماعی‌تان را تقویت کند، آن هم ورزش‌هایی مثل والیبال، بسکتبال و فوتبال. این را بدانید که ورزش کردن آن هم در سن کودکی و نوجوانی می‌تواند اعتماد به نفس شما را زیاد کند و باعث افزایش مهارت‌های فردی و اجتماعی در شما شود. کارشناسان می‌گویند ورزش‌های دسته‌جمعی اثر بهتری روی بچه‌های خجالتی دارند تا ورزش‌هایی مثل کاراته و جودو. آن‌ها می‌گویند: بچه‌ها باید از انجام ورزش‌هایی مانند بدن‌سازی، وزنه‌برداری، پرورش‌اندام و خلاصه همه ورزش‌هایی که در آن‌ها روی ماهیچه و عضلات کار می‌کنند، دوری کنند؛ زیرا به غضروف‌های انتهای ماهیچه‌ها صدمه می‌زند و گاهی این صدمه‌ها را نمی‌توان جبران کرد.

ورزش‌های گروهی

پانا

جشنواره قصه‌گویی در بچه‌های نو برای قصه‌گویان نوجوان



قرار است جشنواره‌ای در کشور برگزار شود که یاد و خاطره قصه‌های مادر بزرگ‌ها را زنده می‌کند. در این جشنواره نوجوانان دور هم جمع می‌شوند و قصه می‌گویند و برنده‌هایشان مشخص می‌شوند. در حال حاضر بیش از ۱۷۳۶ اثر به دبیرخانه این جشنواره ارسال شده، اما از بین آن‌ها ۱۶۵ اثر انتخاب شده است. این جشنواره که مخصوص بچه‌های ۱۴ تا ۱۷ ساله است، قوانین خاص خودش را دارد که پیش از این در فراخوان جشنواره گفته شده است. قصه‌هایی از شاهنامه فردوسی، قصه‌های دفاع مقدس، قصه‌هایی برگرفته از کتاب‌های ادبی، قصه‌هایی برگرفته از کتاب‌های رمان نوجوان و مهارت در استفاده بهینه از گویش و زبان مادری در این جشنواره شرکت می‌کنند. گفتنی است که یازده نوجوان به دور پایانی این رقابت راه یافته‌اند. قرار است آنان از ۲۷ بهمن تا ۲ اسفند از سراسر کشور به تهران بیایند و داستان‌هایشان را اجرا کنند.

جشنواره قصه نوجوان

یکشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۹۵
۳۰ ربیع‌الثانی ۱۴۳۸ / ۲۹ ژانویه ۲۰۱۷
www.qudsonline.ir

شماره ۳۰۴
مجموعه نوجوان



داستان چیست؟

یک پسر ایرانی به نام علی (محمد رضا گلزار) در هند درس پزشکی می‌خواند. روزی ماشین یکی از همکلاسی‌هایش به اسم کاریشما (با بازی بازیگر معروف هندی، دیامیرزا) سر راه او خراب می‌شود و علی ماشین را تعمیر می‌کند. بقیه فیلم داستان علاقه‌مند شدن ناگهانی این دو نفر به یکدیگر است. همین و دیگر هیچ! اگر فکر کردید که در تعریف داستان فیلم «سلام بمبئی» در کلیشه‌ها (سوزهای تکراری) زیاد روی شده، باور کنید که نشده! داستان فیلم همین قدر تکراری و بدون خلاقیت است. مسایلی که مثل علاقه دو نفر از دو فرهنگ مختلف بدون هیچ دلیل قابل قبول که از آن به‌عنوان «عشق آتشین» اسم برده می‌شود، تا حالا هزار بار در فیلم‌ها و سریال‌های سال‌های دور ما تکرار شده است. کارگردان و نویسنده حتی آنقدر خلاقیت نداشته‌اند که دو شخصیت را طور دیگری غیر از داستان خرابی ماشین و پسر کاربلد در تعمیرکاری، با هم آشنا کنند و البته شانس آوردیم که با توجه به همکلاسی بودن هر دو، از ایده ریختن جزوه‌های دختر و جمع‌وجور کردن آن‌ها توسط پسر استفاده نشده است! بقیه فیلم هم باور کنید داستان خاصی ندارد. دو شخصیت زن و مرد با هم هند را می‌گردند و این وسط یک‌خورده اتفاقات بی‌سر و ته هم برایشان می‌افتد و یک‌دفعه تیتراژ پایانی!

التم به یاد اعتراف کرد که توانایی «رضا عطاران» در طنز، من سوار بر نیمه را تا حد زیادی قابل تحسین کرده بود. طوری که این فیلم در فهرست پر فروشترین فیلم‌های سال ۱۳۹۵، بعد از فرشته اصرار فرهادی در رتبه دوم قرار دارم! سلام بمبئی هم با اینهمه هنر اندر آن تمام نثره، رتبه چهارم را دارد.



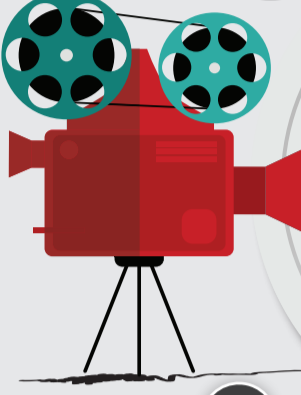
کلیشه‌ها از چپ و راست!

شما فکر کنید نویسنده فیلمنامه یکی از داستان‌های افسانه‌ای مربوط به رمان‌های عاشقانه را جلوی چشم گذاشته و از روی آن نگارش فیلمنامه را شروع کرده است. چون حتی شخصیت خواستگار پولدار و بی‌عاطفه و خشن هم در فیلم وجود دارد تا همه تلاشش را بکند زن و مرد نقش اول به هم نرسند. خیلی وقت است که حتی سینمای سال‌های دور هند هم شخصیت منفی‌اش را با کلیشه عینک‌دودی و مدل مو و کت شلوار خاص نشان نمی‌دهد. ولی در سلام «بمبئی» شما دقیقاً همین گریم را برای خواستگار کریشما می‌بینید تا خیالتان راحت بشود که فیلمنامه‌نویس و کارگردان حتی یک خط از آن داستان‌های افسانه‌ای قرن‌های پیش را جا نینداخته است. به‌جز شخصیت‌های تکراری، «سلام بمبئی» پر از نقش‌های غیر ضروری هم هست. نمونه‌اش احمد (بنیامین بهادری) و همسرش شایلی (شایلی محمودی). احمد دوست علی است و در لایه‌های فیلم گاهی تصویر به علاقه‌مندی این دو نفر هم کات می‌خورد! البته تسلط خانم شایلی به زبان هندی و خواننده بودن بنیامین بهادری هم باید به علت حضورشان در فیلم اضافه شود. چون از هنرمندی‌های این دو نفر هم در اواسط فیلم و خیلی بی‌دلیل! زیاد می‌بینیم.



شما فکر کنید نویسنده فیلمنامه یکی از داستان‌های افسانه‌ای مربوط به رمان‌های عاشقانه را جلوی‌ش گذاشته و از روی آن نگارش فیلمنامه را شروع کرده است. چون حتی شخصیت خواستگار پولدار و بی‌عاطفه و خشن هم در فیلم وجود دارد تا همه تلاشش را بکنند زن و مرد نقش اول به هم نرسند. خیلی وقت است که حتی سینمای سال‌های دور هند هم شخصیت منفی‌اش را با کلیشه عینک‌دودی و مدل مو و کت و شلوار خاص نشان نمی‌دهد.

SALAAM MUMBAI



قربان
محمدیور متولد سال ۱۳۴۹ و فارغ‌التحصیل کارگردانی است. محمادیور قبل از آنکه فعالیتش را به عنوان کارگردان آغاز کند، فیلمنامه‌های متعددی مثل «خروس طلایی» و «داعار کارگردان فیلم» را نوشته بود. آخرین کار او در مقام نویسنده «آنتیم مردان درباره زنان» (سلام بمبئی) محصول سال ۱۳۹۲ است. قربان محمادیور است.

«امیر هوشنگ کاووسی» یکی از کارگردانان و منتقدان معروف سینمای ایران بود که در سال ۱۳۹۲ درگذشت. آقای کاووسی سال‌های دور در یک مجله سینمایی، اصطلاح ماندگار «فیلمفارسی» را وارد ادبیات سینمای ایران کرد. فیلمفارسی به آن دسته از فیلم‌هایی گفته می‌شود که خیلی دم‌دستی و غیر حرفه‌ای ساخته می‌شوند، داستان‌های عامیانه دارند و از موسیقی و آواز و لودگی (مسخرگی) استفاده می‌کنند و البته بخشی از مردم عادی هم آن‌ها را می‌پسندند و تماشا می‌کنند. شاید خود امیر هوشنگ کاووسی هم فکر نمی‌کرد وقتی در دهه ۳۰ شمسی درباره فیلمفارسی صحبت می‌کند، نمونه‌های آن در دهه نود سینمای ایران هم تکرار بشود! فیلم سینمایی «سلام بمبئی» که چند وقتی است در سینماها اکران می‌شود، نمونه کامل یک فیلمفارسی است که بعد از سال‌ها دوباره رنگ پرده اکران در ایران دیده است. فیلمی که حتی کسانی هم که آن را تماشا کرده‌اند به ضعیف و دم‌دستی بودن آن اعتراف می‌کنند، اما با این حال خوب فروش رفته و این باعث شده تا یکبار دیگر سینماگران و منتقدان از خودشان بپرسند «چرا فیلمفارسی هنوز می‌فروشد؟»

سلام بمبئی ۱۰

«قربان محمادیور» گفته است که فیلمنامه «سلام بمبئی ۲» را آماده دارم و پس از اتمام اکران «سلام بمبئی» شروع به پیش‌تولید آن خواهم کرد. او درباره داستان این فیلم که در ادامه «سلام بمبئی» خواهد بود، گفت: داستان این فیلم اصلاً ربطی به ادامه این فیلم ندارد و در فضای متفاوت‌تری نسبت به فیلم «سلام بمبئی» است. کارگردان «سلام بمبئی» در پاسخ به این پرسش که چرا نام فیلم را «سلام بمبئی ۲» گذاشتید، در صورتی که قصه فیلم هیچ ارتباطی با فیلم «سلام بمبئی» ندارد، گفت: من هر فیلمی در کشور هند بسازم با هر موضوعی نام «سلام بمبئی» در آن خواهد بود و شاید این نام به «سلام بمبئی ۹» و «سلام بمبئی ۱۰» هم برسد!

فروش «سلام بمبئی» که به حرف‌های سینما خیلی قبولش ندارند

فیلمفارسی

داستان فیلم همین قدر تکراری و بدون خلاقیت است. مایلی که مثل عازم و نور از دو فرهنگ مختلف بدون هیچ دلیل قابل‌توجهی که آن‌ها را به عنوان «عشق آنتیم» اسم برده می‌شود، تا حالا هزار بار در فیلم‌ها و سریال‌های سال‌هاک دور ما تکرار شده است.

ایرادات فنی

بجز ایرادات محتوایی، اهل فن می‌گویند که سلام بمبئی پر از ایرادات فنی هم هست. مثل تدوین ناقص و پریدن از یک صحنه به صحنه بی‌ربط دیگر. هر فیلمنامه‌ای باید یک داستان منطقی را روایت کند و روند اتفاقاتی که پشت‌سرهم می‌افتند در آن برای مخاطب قابل قبول باشد، اما سلام بمبئی این را هم ندارد. فیلمساز فقط تلاش کرده با استفاده از چهره‌های معروف، جذابیت تصویری کشور هندوستان و دیالوگ‌های عاشقانه عامه‌پسند، ضعف‌های فیلمش را بپوشاند که البته بعد از مدتی طاق تماشگر را هم طاق می‌کند!

من هر فیلمی در کشور هند بسازم با هر موضوعی نام «سلام بمبئی» در آن خواهد بود شاید این نام به «سلام بمبئی ۹» و «سلام بمبئی ۱۰» هم برسد!



فیلم بین‌المللی

به فیلم‌هایی که با همکاری یک کشور، دیگری و یا با حضور بازیگرانی از کشور دیگر ساخته می‌شوند فیلم‌های بین‌المللی می‌گویند. در فیلم‌های بین‌المللی هدف معرفی فرهنگ کشور جدید و یا یک ماجرا، داستان یا دغدغه مشترک بین دو کشور است. البته سلام بمبئی هیچ‌کدام از این صفات‌ها را ندارد، ولی قبل از اکران، خودش را یک فیلم بین‌المللی معرفی کرد. مثل فیلم «من سالوادور نیستم» که فقط قسمت بیشتر فیلم در برزیل بازی شده بود و همین نشانه‌های «سلام بمبئی» را داشت، بازیگران خارجی و عشق و عاشقی. البته باید اعتراف کرد که توانایی «رضا عطاران» در طنز، من سالوادور نیستم را تا حد زیادی قابل تحمل کرده بود، طوری که این فیلم در فهرست پرفروش‌ترین‌های سال ۱۳۹۵، بعد از فروشنده اصغر فرهادی در رتبه دوم قرار دارد! سلام بمبئی هم با اینکه هنوز اکرانش تمام نشده، رتبه چهارم را دارد.

«گوشن لویور» بازیگر اصلی فیلم «سلام بمبئی» برای «وقتی فیلم فقط برای بازیگران و عوامل آن نشان داده می‌شود این فیلم به ایران آمدند»

احمد دوست علی است و در لاکه‌کس فیلم‌های تصویر به‌عنوان بازیگر این دو نفر هم کت می‌خوردا البته تاط خانم شایان به‌رمان هندکی و خواننده بودن بنامیوس به‌عنوان هم باید به‌عنوان حضورشان در فیلم اضافه شود

صحت کردن درباره «سلام بمبئی» اگر هیچ منفعتی نداشته باشد، حداقل باعث می‌شود با بعضی اصطلاحات سینمایی آشنا بشویم. «سلام بمبئی» یک فیلم گیشه‌پسند است. گیشه‌پسند به آن دسته از فیلم‌ها گفته می‌شود که مخاطب عادی با دیدن آن روی سردر سینما به‌خاطر معروفیت بازیگران جذب فیلم می‌شود و سریع به‌سراغ گیشه می‌رود تا بهای آن را بپردازد و فیلم را تماشا کند. سلام بمبئی هم یک سوزه گیشه‌پسند یعنی عشق و عاشقی را دارد و هم بازیگرانی که خیلی‌ها برایشان فقط حضور آن‌ها در فیلم مهم است، نه اینکه چه نقشی را به چه کیفیتی بازی می‌کنند. محمدرضا گلزار، سوپرستار (بازیگر معروف و چهره) سال‌های قبل سینمای ایران است که عامل اصلی فروش «سلام بمبئی» به حساب می‌آید. اگر چه مخاطب هم در همان نگاه اول متوجه می‌شود که گلزار این فیلم با گلزار ده-پانزده سال قبل هیچ فرقی نکرده است. همان ژست‌ها، همان طرز حرف زدن و همان مدل بازیگری بدون هیچ‌گونه خلاقیت و نوآوری جدید. حضور بنیامین بهادری که قبل از این او را به‌عنوان خواننده می‌شناختیم و همسر جدیدش که نقش همسر احمد را در فیلم بازی می‌کند هم از عوامل گیشه‌پسندی سلام بمبئی هستند. برای مخاطب عام سینما جذاب است که بنیامین را در نقش یک بازیگر ببیند که هندی و فارسی را با هم مخلوط می‌کند و روی صحنه‌های فیلم برایشان آواز می‌خواند! به این فهرست حضور یک بازیگر معروف هندی در کنار بازیگران ایرانی را هم اضافه کنید که البته به خودی خود بد نیست. اما اگر تنها عامل برای تماشا کردن فیلم باشد، جزو فهرست گیشه‌پسند شدن یک فیلم قرار می‌گیرد.





82.000 likes
View all 5000 comments

دنیای عجیب رسانه

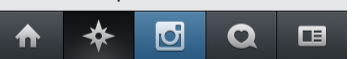
دنیای رسانه، دنیای عجیبی است. در عین آنکه فکر می کنیم ما را در جریان همه اخبار قرار می دهد، اما خیلی ساده می تواند خیلی از اخبار را حتی اگر خیلی مهم هم باشند، از دید ما پنهان کند. حتی وقتی بیشتر از همه در جریان اخبار باشیم، باز هم ممکن است چیزهایی از چشم و گوشمان مخفی بماند.

نمونه اش همین درد و رنج مردم اهواز و سیستان و بلوچستان، انگار همین که از پایتخت دور بشویم مهم نیست که مردم اهواز چندروز در سال به معنای واقعی و بدون اغراق خاک تنفس می کنند. یکی می گوید که تقصیر کشور همسایه است، یکی دیگر می گوید باید برای بیابانهای اطراف اهواز کاری کنیم و یکی دیگر پیشنهاد می دهد که جلوی چرای بی رویه دامها و از بین بردن پوشش گیاهی بیابانها را بگیریم. اما نظر من را بخوانید هیچ کدام از اینها مهم نیست، وقتی مردم اهواز ندانند که آنها هم به اندازه بقیه مردم این کشور مهم هستند و درد و رنجشان دیده می شود.

یا مثلا وقتی چندروزی است در سیستان و بلوچستان سیل آمده و خیلیها خانه و زندگی شان را از دست داده اند، بیشتر از اینکه مهم باشد چرا این اتفاق افتاده و چه کسی مسؤول است و چرا مسؤولی به سیستان نرفته است، مهم این است که مردم سیستان بدانند ما هم نگران آنها هستیم و برایشان مهم است که این روزها در چه وضعیتی به سر می برند. منظوری از بودن این نیست که فیلم غرق شدن ماشین یک خانواده سیستانی در سیل را دست به دست کنیم و دنبال مقصر بگردیم، یا مجازی دلسوزی کنیم. این کمترین هم دردی با آنهاست.

رسانه دنیای عجیبی دارد، آنقدر عجیب که حتی مخاطبان آن هم به آن جهت بدهند. بیایید حضورمان در فضای مجازی بی تأثیر نباشد. ما گاهی با فعالیت های گروهی مان در این فضا می توانیم به رسانه جهت بدهیم؛ چینی که مؤثر باشد و گرهی از کار کسی یا کسانی باز کند.

رسانه # گرد # خاک
اهواز # سیستان # و # بلوچستان
سیل
Ali Z یکم پیچیده بود.
Khanoom_e_hashtak بعداً بیشتر دربارهاش حرف می زنیم.



الهی! وقتی جهان و هرچه در اوست به اشاره تو پیش می رود، من کیام که بایستم و سر پیچم و پا بکوبم که: من...؟! بارها! خسته ام از این همه بیراهه، از این همه رفتن و بازگشتن به پشیمانی! بی اختیارم از خویش کن و به اختیارت درآورم!

الهی! بند بگسل از پای رفتنم و شانه ام را سبک کن از سایه های پنهانی که زمینم ام کرده اند، آمین!

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ فَأَغْفِرْ لِي مَا عَمِلْتُ، وَ اِشْرَفِي بِقُدْرَتِكَ إِلَى مَا أَحْبَبْتَ. اللَّهُمَّ وَ عَنِّي بَعَثْتَ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ، وَ تَبِعْتَ قَدْ نَسِيتُهُنَّ، وَ كَلَّمْتَنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ عَلِمْتَ الَّذِي لَا يُنْسَى، فَتَوَضَّعْ لِي مِنْهَا أَهْلِيهَا، وَ اِخْطِطْ عَنِّي وَرَثَهَا، وَ حَقِّقْ عَنِّي ثَقَلَهَا، وَ اغْصِنِي مِنْ أَنْ أَقَارِفَ مَثَلَهَا.

خدایا تو به آنچه من کرده ام دانستی. پس بیا مرز برای من آنچه را که می دانی و بازگردان مرا به قدرت خود به آنچه دوست داری.

خدایا، بر ذمه من غرامت ها و مسؤولیت هایی است که آن ها را به یاد دارم و غرامت ها و مسؤولیت هایی هست که فراموش کرده ام و همه آن ها برابر چشم تو است که به خواب نمی رود و پیش علم تو است که فراموش نمی کند. پس در برابر آن ها به صاحبانش عوض بده و ورزش را از دوش من بینداز، و سنگینش را از من تخفیف ده و مرا از ارتکاب مانند آن ها بازدار.

فرزاد ۱۷-۱۸ دعای ۳۱ صحیفه سجاده

برداشت و الهام آزاد از اسماعیل فیروزی



ترامپ نیامده جنجال درست کرد

رئیس جمهور عجیب، تصمیمات غریب...!

آمریکایی معترض ترامپ

بعد از اینکه متنی از این قانون به رسانه های آمریکایی داده شده، افراد زیادی در داخل و خارج این کشور به آن اعتراض کردند. خانم «مادلین آلبرایت» کسی که سالها قبل وزیر امور خارجه آمریکا بوده و اتفاقاً رابطه خوبی هم با ایران ندارد، به این قانون ترامپ اعتراض کرده است. او گفته است که برای اعلام همبستگی با مسلمانان، آمادگی دارد اسم خودش را به عنوان یک مسلمان ثبت کند. قبل از این ترامپ یکبار گفته بود که شاید قانونی بگذارد تا مسلمانان اسمشان را در یک سایت ثبت کنند و اطلاعاتشان همیشه در اختیار مسؤولان آمریکایی باشد. اما «گلوریا استینم» که در آمریکا فعالیت اجتماعی انجام می دهد گفته است که اگر مسلمانان را وادار کنید که به صورت رسمی در پایگاه داده ثبت نام کنند، همه ما به عنوان مسلمان ثبت نام خواهیم کرد.

اعتراض خانم بازیگر

چندروز قبل از خیر قانون جدید ترامپ، خبر رسید که آخرین فیلم سینمایی اصغر فرهادی به نام «فروشنده» نامزد دریافت جایزه اسکار (یک جشنواره سینمایی) شده است. مراسم اسکار هم در کشور آمریکا برگزار می شود، ولی با قانون جدید ترامپ، بازیگران و تهیه کنندگان ایرانی نمی توانند به این مراسم بروند. «ترانه علی دوستی» یکی از بازیگران فروشنده هم در اینستاگرامش مطلبی به زبان انگلیسی منتشر کرد و گفت که برای اعتراض به این قانون، به مراسم اسکار نمی رود.

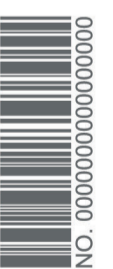


دونالد ترامپ رئیس جمهور جدید آمریکا، درحالی که هنوز چندروز از ورودش به کاخ سفید (ساختمان ریاست جمهوری آمریکا) نگذشته، یک قانون جنجالی ارایه داده است. قانون جدید ترامپ ورود شهروندان هفت کشور از جمله ایران را به کشورش ممنوع کرده است. البته این قانون فعلاً نود روزه است، ولی مسؤولان آمریکا نگفته اند که آن را برای طولانی مدت تمدید نمی کنند.

مراسم اسکار هم در کشور آمریکا برگزار می شود. ولی با قانون جدید ترامپ، بازیگران و تهیه کنندگان ایرانی نمی توانند به این مراسم بروند. «ترانه علی دوستی» یکی از بازیگران فروشنده هم در اینستاگرامش مطلبی به زبان انگلیسی منتشر کرد و گفت که برای اعتراض به این قانون، به مراسم اسکار نمی رود.

قانون جدید و عجیب ترامپ

ترامپ از همان رقابت های انتخاباتی به ضدیت با مهاجرین و مسلمانان معروف شد؛ ضدیتی که از همان روزهای شروع ریاست جمهوری اش برای آن قانون هم تصویب کرد، آن هم درحالی که خیلی از مردم کشورش و مردم کشورهای دیگر با او و سیاست های عجیب و غریبش مخالف هستند. در قانون جدید و جنجالی ترامپ، ورود شهروندان هفت کشور عراق، سوریه، سودان، لیبی، یمن، سومالی و ایران به آمریکا ممنوع شده است. یعنی دیگر به شهروندان این کشورها روادید (اجازه ورود) به آمریکا داده نخواهد شد. آنهایی هم که به عنوان گردشگر یا دانشجو در آمریکا هستند، اگر به کشورشان برگردند دیگر نمی توانند دوباره وارد آمریکا بشوند. البته آنهایی که کارت اقامت در آمریکا را دارند یا به این کشور پناهنده شده اند، از این قانون مستثنا هستند.



«هشتکو» جایی برای خندیدن، شاد بودن و حرف های خوشمزه زدن است.

هشتکو



زباله ها را سر کوچه نگذارید. شهرداری سطل های زباله را برای تزیین شهر نگذاشته...

- # پسر آقای همساده
- # عیال خوشمزه خان
- # خوشمزه خان
- # شاعر تنها
- # استاد بزرگ

- # تبیل خان
- # خوشمزه خان
- # استاد بزرگ
- # پسر خوشمزه خان
- # تبیل خان

